

دستور العمل عرفانی از آیت الله شاه آبادی



بسم الله الرحمن الرحيم

بدان که تو هستی و نمی میری . بدنست که می میرد، تو هستی و زنده . حساب کار خودت را بکن که چه تهیه دیده ای برای زندگی آخرت . بین برای این دو روزه ، که می دانی ثباتی در آن نیست ، چه کوششها و تقلاها می کنی . برای آن جا که به حکم فطرت هستی و زندگی ابدی است ، چه کوشش کرده و چه تهیه دیده ای ؟ در آن جا زندگی انفرادی است ، احتیاجات را خودت منفردا باید رفع کنی ؛ باب استقراض و استعداد مسدود است .

این جا آمده ای که تهیه برای آن جا ببینی .

معصوم می فرماید: « ما کانت الدنيا مرین . »

باید به اراده کارت درست شود به صرف اراده اداره شود، زندگی آخرت .

آن جا، نتیجه تحصیلات عقلی و نفسی و حسی است ؛ یعنی ، باید عقلت منور باشد به معارف حقه و عقاید صحیحه و صالحه . مقیاس مقاصد مهمه عالم برزخ و ماوراء این عالم ، همانا شخص شخیص وجود مقدس پیغمبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) هستند.

خلاصه ، تامین حیات آخرت به علم و ادب است ، چه عملی و چه قلبی و چه حسی . فلاح و رستگاری تابع ایمان و عمل است : « یا ایها الذین آمنوا » یعنی در مرتبه پرستش نبینید الا معبود را . حریت آن جا، نتیجه بندگی در این جاست . که نه خود را ببند و نه عبادت خود را .

لذا می فرماید: « عبدتک » عبادت می کنم ترا . این یکی از مراتب نازل و ولایت و جلوه معبود و تجلیات ربوبی و کبریای حق است و حرارت فطرت عشق است که موجب پرستش و فناء در معبود و عدم ادراک عبادت می شود .

خداوند عالم ، انسان را مدرک حقایق گردانیده که مبدء عالم را بفهمد و مرجعش را بداند که کیست ؟ و موجد این موجودات کیست ؟ عقل را به انسان عطا فرموده که کشف این حقایق کند و به عالم السماء و صفات ، بر احدیت و مقام غیب الغیوی مطلع شود . اینها معقولات انسان است ؛ لذا در عالم برزخ یک سلطنت عظمی برای امتحان عقول است که در مدرسه دنیا بیست سال ، چهل سال ، هفتاد سال یا بیشتر مانده ، چه تحصیل کرده ؟ و در این مدت چه بوده ؟ و چه شده ؟ و چقدر معارف آموخته است .

برزخ ، عالم ماندن نیست ؛ بلکه عالمی است برای تصفیه اعمال و اخلاق و عقاید تا رجوع به عالم قیامت کند و توحید ذاتی و صفاتی و افعالی را تکمیل کرده ، تحصیل لباس تقوا نموده و از مسارعت به سوی حق ، واجد مقامی شود که دیگران حسرت برند؛ زیرا ستایش و پرستش عابد و زنش به معارف اوست .

پس معلوم شد که مایحتاج مادر عالم برزخ ، افعال و اعمال صالحه و حسنه و عقاید صحیح است و در آن جا درست و نادرست آنها نمایش داده می شود، لکن مسأله عبودیت و ثناء و قرب حق معارفی که در عبادت است ، وجه ملکوتیش در عالم قیامت کبری ظاهر خواهد شد.

یکی از علماء، مجلسی ، رحمه الله... علیه ، را در عالم رویا مشاهده نمود: در مراتب عالیه و دستگاه مرتب و منظمی . از وی پرسید بر شما چه گذشت ؟

مجلسی ، علیه الرحمه ، می فرماید: سوال کردند چه هدیه و تحفه ای برای ما آورده ای ؟
عرض کردم : بحارالانوار، جوابی برای آن داده نشد.

آنان گفتند: پیش ما چیزی داری و آن سببی است که به آن بچه یهودی دادی برای رضای ما.

آن کس که خواب دیده بود، گمان کرد که بحار را رد کردند لکن اشتباه نموده بود؛ زیرا « بحارالانوار » مسکوت عنه واقع شد؛ یعنی ، « بحارالانوار » چون علم است محل ظهورش در برزخ نیست و همان سبب ، صورت ملکیت اش که التذات طفل بوده ، در برزخ ظهور کرده است بنابراین به حکم تناسط هر چیزی اگر نظر التفات به عالم انبیاء کنی که غرض و مقصود این یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر چه بوده خواهی یافت که همه داعی الی الله... بوده اند تا مردمانرا عابد و عارف به حق کنند و جز این ، مقصد دیگر نداشتند. به قسمی که احدی از این مطلب خارج نبوده ، لکن معلوم است دماغهای آنان فرق می کند در بسط معارف : یکی مأمور شخصی است نسبت خودش و یکی دیگر مأمور به بسط معارف است در خانواده اش و دیگری عالی تر و مأمور به محله اش می باشد در این مقصد و یکی به مملکتی تا می رسد به آن که دماغش منورتر و فکرش بازتر و می تواند عالمی را اداره کند. روحش به حدی نورانی و بسیط است که می تواند عالم را منور کند و همه اهل عالم مأمور به اطاعت او شوند، حتی مثل امیر مؤمنان که می فرماید: « انا عبد من عبید محمد (ص) » تا می رسد به معلم کل و استاد انبیاء و المرسلین ، وجود مقدس ختمی مرتبت (ص) ، لکن نحوه اداره این بزرگ مرد که مدیر کل است در دار تحقیق و عالم بشریت ، به نفس او، که وحی اوست ؛ یعنی علی بن ابیطالب (ع) می باشد و او هم به همین نحوه تا امام حسن عسکری (ع) . همه اینان در این عالم ، بسط معارف و حقایق فرمودند. این وظیفه ، بعد از امام حسن عسکری (ع) با فرزند اوست . حقایق و اسرار، به وسیله او در زمان او آشکار می شود، چنانکه امیرالمؤمنین (ع) به کمیل فرمود:

« ما من علم الا و انا افتحه و ما من سر الا و القائم یختمه » .

هر مدعی که ادعای این مقام کند، حاصلش برای او رسوائی خواهد بود، چنانکه ادعا کردند و رسوا شدند و جهالت خود را آشکار کردند.